

Research Paper

Individualism, its Functions and Strategies for Reducing it in Human Social Relations from the Perspective of the Quran

Fatemeh Seyfalie*¹  Sohrab Morovati²

,

¹ Ph.D Quran and Hadith sciences, department of theology, Ilam university, Ilam, Iran.² Professor quran and hadith sciences, department of theology, Ilam university, Ilam, Iran.

10.22080/qhs.2025.25535.1164

Received:

December 6, 2023

Accepted:

April 10, 2024

Available online:

March 10, 2025

Extended Abstract

1. Introduction

Collectivism and individualism are two of the most well-known cultural patterns. In individualistic cultures, people rely more on individual tendencies in their behaviors than on social norms. Individualistic societies value non-conformity with the group and emphasize individual flourishing and rethinking social traditions and norms. In contrast, in collectivist cultures, individuals feel deeply attached to the group and society. In these societies, group decisions are given priority over individual decisions, and individuals' behaviors are measured by the rules, goals, and values of the group. This study aims to understand the

Quran's view on the subject of individualism and explain its functions in human social relations, as well as to provide strategies for reducing the harm caused by individualism in human relations. First, individualism is described, and then the functions and strategies for reducing it are explained from the perspective of the Quran and Hadith.

2. Method

The present research is of a fundamental type. Fundamental studies are carried out to gain more knowledge and discover the general laws governing the relationships of phenomena while providing a basis for planning practical activities. This study also followed a descriptive-analytical ap-

*Corresponding Author: Fatemeh Seyfalie

Address: Ilam University, Ilam, Iran.

Email: seyfalie@yahoo.com

Tel: 09188596805

proach to achieve its goal. Content analysis is a method that discovers specific characteristics of a message objectively and based on certain rules. Qualitative content analysis has a general and comprehensive approach to analyzing the data under study; for this reason, it tries to fully overcome the complexities of the social issues under study and then describe the results obtained.

3. Results

The present study states that from the perspective of the Quran, individualism is a positive thing when associated with freedom from social constraints and oppressive conditions, and is considered a negative indicator when it is viewed from the perspective of separation from others and the lack of a sense of mutual commitment, trying to fulfill individual desires by ignoring the community. Increasing selfishness and narcissism, decreasing social belonging, and ultimately social isolation are among the functions of individualism in social relations, and with strategies such as lifestyle modification, balance in communication, increasing life satisfaction, and strengthening communication skills, individualism can be adjusted and its harms will be reduced.

4. Conclusion

Human nature and character need and desire collectivism. The Holy Quran also recommends collectivism, establishing contact with others, and benefiting from the benefits of society in normal circumstances. Individualism, even to acquire virtues and spiritual advancement, is rejected and forbidden from the perspective of the Quran. But it is not as if this issue is inevitable, constant, and permanent. The issue of individualism and withdrawal from the group has been included in the Holy Quran in a series of specific social conditions and

as an exception. One of the reasons for prohibiting crawling into an individual shell and turning to individualism from the perspective of the Holy Quran is the effects and functions that the prevalence of this state will entail. Among the functions of individualism in social relations are increased selfishness and narcissism, decreased social belonging, and ultimately, social isolation. All of these situations are rejected and forbidden from a religious perspective. To prevent and avert these consequences, the Holy Quran has presented strategies for reducing individualism, including lifestyle modification, creating balance in the communication dimension, increasing satisfaction with life, and strengthening social skills. Applying these strategies in life will lead to creating a balanced and desirable level of communication and maximum productivity from different dimensions of an individual's existence. In this case, the individual benefits from the extraordinary benefits of society and collective capabilities and when finding the movement and path of society in a direction contrary to his high human status, he will easily distance himself from the wrong path and wrong move and choose and follow a different path from others to achieve human perfection and his personal and social goals.

Funding

There is no funding support.

Authors' contribution

The article was written by Fatemeh Seifaliei and under the guidance of Dr. Sohrab Marvati. The responsibility for its writing lies with Fatemeh Seifaliei.

Conflict of interest

The authors declared no conflict of interest.

References

Ahmadi, H., 2008, Social Psychology, Shiraz: Shiraz University.

Azamzadeh, Mansoura; Tavakoli, Atefeh, 2007, Individualism, Collectivism and Religiosity, Cultural Studies and Communications, 3(9): 125_101.

Ibn Khaldun, Abdolrahman (2006); Introduction to Ibn Khaldun; Translated by Mohammad Parvin Gonabadi; Tehran: Elmi va Farhangi.

Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1407). Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya.

Shazli, Seyyed ibn Qutb, (1412). In the Shadow of the Quran, Beirut: Dar al-Shoroq.

Sheikh Hurr Ameli, Wasseel al-Shi'a, Qom: Al-Bayt Institute, 2009

Tabatabai, Seyyed Muhammad Hussein; (1374). Tafsir al-Mizan. Translated by Seyyed Muhammad Baqir Mousavi. Qom: Islamic Publications Office.

Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan. (1414). Al-Amali. Qom: Dar al-Shaqafa.

علمی

فردگرایی، کارکردها و راهبردهای کاهش آن در روابط اجتماعی انسان از دیدگاه قرآن

فاطمه سیفعلی‌ئی^{۱*} سهراب مروتی^۲  

^۱ دانش آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
^۲ استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

doi 10.22080/qhs.2025.25535.1164

چکیده

فردگرایی یک واژه مهم و مختص ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی و سیاسی دوران مدرنیته است و برای تبیین رابطه جدید فرد و جامعه و جایگاه جدید فرد در جامعه مدرن به حوزه جامعه‌شناسی وارد شده است. این پژوهش با هدف شناخت دیدگاه قرآن درباره موضوع فردگرایی و تبیین کارکردهای آن در روابط اجتماعی انسان و نیز ارائه راهبردهایی برای کم‌کردن آسیب‌های حاصل از فردگرایی در ارتباطات انسانی و به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده است و بیان می‌دارد که از منظر قرآن فردگرایی متناسب با موقعیت و شرایط زمانی و مکانی می‌تواند صفتی مثبت یا منفی باشد. هنگامی که با رهایی از اجبارهای اجتماعی و شرایط ستم‌گرایانه در ارتباط است، امری مثبت و هنگامی که از جهت جدایی از دیگران و نبود احساس تعهد متقابل به آن نگرسته شود، یعنی به معنای سعی در تحقق خواسته‌های فردی از طریق بی‌توجهی به جمع، به‌عنوان یک شاخص منفی مورد توجه قرار می‌گیرد. افزایش خودخواهی و خودشیفتگی، کاهش تعلق اجتماعی و در نهایت انزوای اجتماعی از جمله کارکردهای فردگرایی در روابط اجتماعی است و با اصلاح سبک زندگی، تعادل در ارتباطات، افزایش رضایت از زندگی و تقویت مهارت‌های ارتباطی می‌توان به تعدیل فردگرایی و کاهش آسیب‌های آن اقدام نمود.

تاریخ دریافت:

۱۵ آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۲۲ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۲۰ اسفند ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

فردگرایی؛ روابط اجتماعی؛ کارکرد؛
 راهبرد کاهش فردگرایی؛ قرآن کریم

ایمیل: seyfalie@yahoo.com

* نویسنده مسئول: فاطمه سیفعلی‌ئی
 آدرس: دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

۱ مقدمه و بیان مسأله

فرهنگ شامل قوانین، آداب و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. نظام فرهنگی و روابط اجتماعی به هم پیوسته‌اند. برقراری و تداوم روابط اجتماعی سبب تقویت فرهنگ می‌شود و فرهنگ نیز شرایط و نحوه شکل‌گیری روابط را تعیین می‌کند. فرهنگ، شخصیت و دیدگاه فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هین و لهن، ۱۹۹۷). رفتار افراد نیز تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌کنند.

یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای فرهنگی جمع‌گرایی و فردگرایی است (تریاندیس، ۱۹۹۸). در فرهنگ‌های فردگرا افراد در رفتارهای خود بیشتر بر گرایش‌های فردی تکیه می‌کنند تا هنجارهای اجتماعی. جوامع فردگرا عدم هم‌نویی با جمع را ارزش تلقی و بر شکوفایی فردی و بازاندیشی در سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۵). در مقابل در فرهنگ‌های جمع‌گرا، افراد احساس می‌کنند عمیقاً به گروه و اجتماع تعلق خاطر دارند. در این جوامع تصمیم گروه بر تصمیم فرد ارجحیت داده می‌شود و رفتار افراد با قوانین، اهداف و ارزش‌های گروه محک می‌خورد.

در فرهنگ فردگرا خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری دارند (Hofstede، ۱۹۹۱: ۱۱۶). در این فرهنگ به جمع و نظرات و سلاقی جمعی کمتر اهمیت داده می‌شود و آن چه اهمیت دارد فرد و نظرات و عقاید اوست. به همین دلیل فرهنگ فردگرا می‌تواند به روابط اجتماعی افراد آسیب‌های جدی وارد نماید.

در دنیای مدرن رفاه فردگرایانه، سودجویی، طمع و آسایش خودخواهانه کاملاً عقلانی و موجه تبلیغ می‌شوند؛ رقابت و استقلال از ارزش زیادی برخوردار است و افراد باید منافع خود را در اولویت قرار دهند (خواجه نوری، پرنیان، جعفری، ۱۳۹۲). همین مسأله افراد را به سوی فردگرایی بیشتر سوق می‌دهد. همچنین سبک زندگی نوین اوقات فراغت جوانان را به سمت فردی شدن و منزوی شدن سوق داده است که آثار منفی فردی و اجتماعی بسیاری به دنبال دارد. فردگرایی سبب کم‌رنگ شدن دوستی‌ها، مسئولیت‌ها و روابط اجتماعی می‌شود، افراد را از جامعه و اهداف و ارزش‌های آن جدا می‌کند، خواسته‌های فردی را بر خواسته‌ها و اهداف جمعی اولویت می‌بخشد، سبب گسختگی و انزوای فرد از جامعه می‌شود و فرد را از مزایای فراوان حضور و ارتباط با سایرین باز می‌دارد، به همین دلیل بررسی این موضوع و اثرات آن و ارائه راهبردهایی برای کاهش آن ضروری به نظر می‌رسد.

این پژوهش با هدف شناخت دیدگاه قرآن درباره موضوع فردگرایی و تبیین کارکردهای آن در روابط اجتماعی انسان و نیز ارائه راهبردهایی برای کم‌کردن آسیب‌های حاصل از فردگرایی در ارتباطات انسانی نگاشته شده است و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که: فردگرایی در قرآن کریم چگونه تبیین شده است؟ نظر قرآن راجع به فردگرایی چیست؟ کارکردهای فردگرایی در روابط اجتماعی انسان چیست؟ راهبردهای قرآن برای کاهش اثرات مخرب فردگرایی در روابط اجتماعی کدامند؟ و چگونه می‌توان در مسأله فردگرایی

در روابط اجتماعی به تعادل دست یافت و از اثرات منفی آن در امان بود؟

۲ پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه عبارت‌اند از:

قادری، طاهره؛ القونه، زهرا (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان: بررسی فردگرایی خودخواهانه و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه شیراز به این نتیجه رسیدند که: بین متغیر دین‌داری و فردگرایی خودخواهانه رابطه معنادار و معکوس وجود دارد و بین سن افراد و میزان فردگرایی خودخواهانه رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

حسین‌زاده، علی‌حسین و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان: بررسی برخی عوامل مؤثر بر کنش‌های فردگرایانه به این نتیجه رسیدند که: نوع غالب فردگرایی در جامعه شهر اهواز، فردگرایی عمودی است. نتایج همچنین بیانگر ارتباط معنی دار فردگرایی و جنسیت و برخی متغیرها نظیر تجربه‌های پیشین، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و تحصیلات بوده است.

بیدل، پری‌ناز (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان: بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی به این نتیجه رسیدند که: تغییر «اعتماد اجتماعی» با ضریب تعیین ۰/۶۰ بیشترین تأثیر را بر تعلق اجتماعی داشته و سپس «فردگرایی افراطی» با ضریب تعیین ۰/۱۸- در مرتبه بعدی تأثیرگذاری قرار گرفته است، بنابراین افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی در افراد، بیشترین آسیب را بر میزان تعلق اجتماعی آنان داشته است.

عابدی، منیره و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان: تربیت اجتماعی از دیدگاه فردگرایان و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی نشان دادند که: با وجود برخی از مشترکات در این دو دیدگاه، علامه به دلیل توجه هم‌زمان به فرد و جامعه دید غنی‌تر و همه‌جانبه‌تری نسبت به تربیت اجتماعی دارد.

بهروان، حسین و علیزاده، اعظم (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان: بررسی فردگرایی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، نشان دادند که: متغیرهای تعدد نقش، خلوت شخصی و شبکه روابط اجتماعی تأثیر مثبت بر فردگرایی و سنت‌گرایی تأثیر منفی دارد. مرد بودن و سکونت در شهر بر میزان فردگرایی تأثیر مثبت داشته و کسانی که در رشته الهیات تحصیل می‌کنند، فردگرایی کم‌تری داشتند. نتایج تحلیل چند متغیره و تحلیل مسیر نشان داد که متغیرهای مستقل خلوت شخصی (به میزان ۰/۳۶۴)، سنت‌گرایی (به میزان ۰/۲۸۹-)، جنسیت (نوع مرد ۰/۱۰۳)، محل دائم زندگی (زندگی در شهر ۰/۱۲۲)، مجموعه نقش (به میزان ۰/۱۸۱) و رشته تحصیلی (الهیات ۰/۱۴۶-) به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر متغیر فردگرایی ظاهر شده‌اند. نتایج تحلیل مفهوم فردگرایی را در سه عامل استقلال، اهداف شخصی و رقابت دسته‌بندی کرده که با تحقیقات قبلی همخوانی دارد.

این روابط است. رابطوا یعنی بر مسلمین لازم است که در جمع باشند و از کنج عزلت خارج شده و با هم مرتبط باشند و به تشکیل جامعه اسلامی همت ورزند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۹: ۱۵۷). بر اساس این، فردگرایی و جدایی از اجتماع مورد نهی قرآن و امری ناپسند است. اما قرآن در دو مورد کنارگیری از اجتماع را ستوده و از آن‌ها به‌خوبی یاد کرده است: مورد اول داستان حضرت ابراهیم(ع) و فرار او از جامعه شرک‌آلود نمرودی است. حضرت ابراهیم(ع) به‌خاطر فساد عقیده مردم زمان خود از آن‌ها جدا شد و به ارض مقدس رفت و خداوند او را مورد لطف خاص خود قرار داده و دو فرزند به نام‌های اسحاق و یعقوب به او بخشید که هر دو از پیامبران الهی بودند: قُلَّمَا اعْتَزَلَهُمْ وَ مَا يَعْزُبُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ كَلَّا جَعَلْنَا نَبِيًّا(مریم، ۴۹). اعتزال به معنای فاصله‌گرفتن و دوری‌گزیدن از اجتماع است. بیان عنایت خاص الهی پس از آن نشانه ستایش و ارزشمندی آن است و علت این ستایش آن است که حضرت ابراهیم به‌خاطر فساد و عقیده ناپسند قوم خود و برای رهایی از این فساد و عقاید ناپسند مجبور به ترک و کنارگیری از اجتماع شد. خداوند نیز این روش را ارج نهاده و او را مشمول عنایات و الطاف خاص خود قرار داد و سختی‌های این کار را از او دور نمود تا در عقاید صحیح خود ثابت و استوار بماند.

مورد دوم رهبانیت اصحاب حضرت عیسی است که رهبانیت را ابداع نموده و از مردم کناره گرفتند و دنیا را فروگذاشته و به امر آخرت مشغول شدند که البته به‌مرستی از عهده آن برنیامدند. قرآن در شرح حال آن‌ها می‌گوید: ثُمَّ قَفَيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَ قَفَيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمُ الْحَدِيدَ، ۲۷. از آنجاکه رهبانیت پیروان حضرت مسیح در ردیف رأفت و رحمتی قرار گرفته که خداوند به‌عنوان يٰكَ حَقِيقَت پسنديده در قلوب آن‌ها نهاده، همچنین دنباله آیه که وعده اجر و ثواب خداوند را در بر دارد و نیز نظر موافق و مثبتی که خداوند در آیه ۸۲ سوره مائده نسبت به راهبان مسیحی ابراز می‌دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که این امر ابداعی، از نظر قرآن امری ستوده و پسندیده است؛ هرچند مسیحیان به آن درست عمل نکرده و حق آن را ادا نکردند.

بنابراین از منظر قرآن فردگرایی هنگامی که با رهایی از اجبارهای اجتماعی و شرایط ستم‌گرایانه در ارتباط است، امری مثبت و هنگامی که از جهت جدایی از دیگران و نبود احساس تعهد متقابل به آن نگرسته شود یعنی به معنای سعی در تحقق خواسته‌های فردی از طریق بی‌توجهی به جمع، به‌عنوان یک شاخص منفی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴ کارکردهای فردگرایی در روابط اجتماعی

فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی بیانگر بی‌احساسی، بدبینی و بی‌میلی است (محسنی‌تبریزی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰: ۲).

چنانکه ملاحظه می‌شود هر یک از این پژوهش‌ها به یک بعد از فردگرایی توجه داشته و به نتایج قابل توجهی دست یافته‌اند، اما پژوهش مستقلی که به طور خاص با نگاهی قرآنی به مسأله فردگرایی و تأثیر آن بر ارتباطات اجتماعی توجه کرده باشد، انجام نشده است. بر همین اساس پژوهش حاضر عهده‌دار تبیین دیدگاه قرآن در مسأله فردگرایی و بیان کارکردها و ارائه راهبردهای حفظ تعادل در این مسأله است.

۳ یافته‌ها

۳،۱ مفهوم فردگرایی در قرآن

فردگرایی ایده‌ای است که بر اهمیت فرد و منافع فردی تأکید دارد (قادر، القونه، ۱۳۹۶) و نعتها بر فرد انتزاعی و مجرد، بلکه بر اولویت منافع، علایق و حالات فرد تأکید دارد (ویلیامز، ۲۰۰۴: ۱۶۵). فردگرایی از آزاد گذاردن افراد حمایت می‌کند به نحوی که افراد آن چه را به نفع شخصی خودشان می‌دانند عمل کنند (جهانیان، ۱۳۷۸: ۴۰) و مبتنی بر این است که فرد، واحد اصلی واقعیت و معیار نهایی ارزش است. فردگرایی نوعی الگوی شخصیتی است که فرد خود را به‌عنوان یک موجودیت مجزا و متمایز در نظر می‌گیرد. در این الگو رفتارها به وسیله ترجیحات و انتخاب‌های فردی و میزان سود و زیان تحلیل می‌شود و در آن انفصال احساسی از گروه وجود دارد و در صورت تضاد بین اهداف فردی و اهداف گروهی اهداف فردی در اولویت قرار می‌گیرد.

اعتمادبِنفس بالا، حس رقابت‌جویی و لذت‌گرایی، خوداتکایی، رقابت، فاصله عاطفی، احساس دوری از گروه، لذت‌طلبی، خلاقیت و پذیرش نافرمانی مشخصه‌های اصلی فردگرایی هستند (خواجه‌نوری، پرنیان، جعفری، ۱۳۹۲). در فردگرایی فرد نفع شخصی خود را به قیمت ضرر همگانی مرجح می‌داند، همه چیز را فدای خود نموده و با قائل شدن محوریت تام برای خود بر آن است تا در همه چیز نفع شخصی خود را به دست آورد (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

جمع‌گرایی نقطه مقابل فردگرایی است. یکپارچگی خانوادگی، اجتماع‌پذیری، وابستگی متقابل (تریاندیس و همکاران، ۱۹۹۰: ۱۰۳). اهمیت‌دادن به اهداف گروهی، تبعیت از هنجارها، فرمان‌برداری، پذیرش اقتدار و مشارکت همگی معرف جمع‌گرایی هستند. جمع‌گرایی نیز به دو نوع افقی و عمودی تقسیم شده است: شاخص‌های جمع‌گرایی افقی مشارکت‌پذیری، خیرخواهی و حس تعلق به جمع (رابطه عاطفی) است و شاخص‌های جمع‌گرایی عمودی اطاعت از گروه و ایثار می‌باشد (اعظم‌زاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

قرآن کریم انسان‌ها را به سمت روحیه جمعی دعوت می‌کند و آن‌ها را نسبت به جامعه بی‌تفاوت و مهمل نمی‌گذارد؛ بلکه آن‌ها را به داشتن روابط اجتماعی و ساختن اجتماعی سالم و راقی و دوری از تفرقه و جدایی فرمان می‌دهد: يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ(آل عمران، ۲۰۰). طبق این آیه، رستگاری انسان‌ها در گروی اموری است که از جمله آن‌ها صبر و بردباری و برقراری روابط نیکو با سایر انسان‌ها و رعایت تقوای الهی در

همدلی و درک متقابل می‌شود و روابط را از حالت مطلوب و مؤثر خارج می‌نماید.

۴،۲ افزایش خودشیفتگی

انسان به خاطر حب ذات به خودش و آثارش بسیار علاقه‌مند است و اگر با دیگران معاشرت نداشته باشد و فضائل و کمالات آن‌ها را نبیند، خود را برترین و بالاترین انسان‌ها تصور می‌کند. در این حالت نه تنها عیوب خود را نمی‌بیند، بلکه ممکن است عیوب خود را صفات برجسته و نقطه‌های قوت بپندارد و سبب خودشیفتگی فرد شود. تمرکز بر خود در فرهنگ‌های فردگرا بیشتر به شکل خودشیفتگی ظاهر می‌شود. به همین دلیل فردگرایی با خودشیفتگی ارتباط مستقیم و مثبت دارد. یعنی هرچه فردگرایی بیشتر باشد، خودشیفتگی بیشتر می‌شود و هرچه خودشیفتگی بیشتر شود، روابط از استحکام کمتری برخوردار خواهد بود.

نزدیک‌ترین مفهوم به معنای خودشیفتگی در قرآن کریم کبر است. کبر را عزیز و بزرگشمردن خود بر دیگران تعریف نموده‌اند. کبر حالتی است که فرد خود را بالاتر و برتر از دیگران ببیند و فکر کند بر دیگران برتری و رجحان دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۱: ۴۱۸). این امر هر چند صفتی باطنی است اما ظهور و بروز بیرونی دارد که به نام تکبر شناخته می‌شود. انتقادپذیری کم، بزرگی‌طلبی، فقدان همدلی، گفتار و رفتار متکبرانه از جمله پیامدهای صفت کبر است (نراقی، ۱۳۷۷: ۲۹۲).

کبر و خودشیفتگی در بسیاری از نشانه‌ها مشترک هستند و الگوی رفتاری تقریباً یکسانی دارند، ولی نشانه‌ها در کبر شمول بیشتری دارند و تعداد بیشتری از رفتارها را در بر می‌گیرد (قدوسی، میردریگوندی، ۱۳۹۲).

قرآن کریم آثار و نشانه‌های تکبر را در سه سطح مورد توجه و مذمت قرار داده است: تکبر در برابر خدا، تکبر در برابر پیامبران، تکبر در مقابل خلق خدا. تکبر در برابر بندگان خدا یعنی فرد خود را بزرگ بشمرد و دیگران را کوچک و خوار و بی‌مقدار، زیر بار هیچ کس نرود، خود را از همه برتر ببیند و حق هیچ صاحب‌حقی را محترم نشمرد و دائماً منتظر باشد که دیگران برای او عظمت قائل شوند. این تعریف از تکبر تا حدود زیادی مشابه تعاریفی است که برای خودشیفتگی بیان شده است و چنانچه روشن است هر دو تعریف به وسیله آثار و نشانه‌های آن صورت گرفته که قرآن نیز همین آثار را مورد توجه قرار داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲: ۴۵).

قرآن کریم از اعمال و کردار متکبرانه نهی کرده است. آیات در این باب بسیار است. به‌عنوان نمونه درباره گردن‌افرازی می‌فرماید: وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا. جمله: لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا، نهی است از اینکه انسان به خاطر تکبر خود را بیش از آن چه هست بزرگ بداند و اگر مسأله را مرتفع به مرح را مورد نهی قرار داد، برای این بوده که اثر همه آن انحراف‌ها در راه رفتن نمودارتر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۱۳۳). این نشان می‌دهد که تکبر و غرور، حتی در سطح ساده‌ترین آثارش، مذموم و ناپسند است و نیز نشان می‌دهد که صفات

برخی کارکردهای فردگرایی در روابط عبارت‌اند از:

۴،۱ افزایش خودخواهی

فردگرایی با شاخص‌هایی چون حساب‌گری به نفع خود، رقابت داشتن با دیگران، به فکر دیگران نبودن و تنها به سود و منفعت خود فکر کردن، تنها به فکر آینده خود بودن، کمک نکردن به دیگران و کسب موفقیت حتی با هزینه دیگران مشخص می‌شود (قادر، القونه، ۱۳۹۶).

فردگرایی و جدایی از مردم هنگامی که به خودخواهی تبدیل شود، پیامدهای مخرب و ویرانگری دارد.

خودخواهی علاقه‌ای پرشور و مبالغه‌آمیز به خود است که آدمی را وادار می‌دارد به همه چیز با در نظر داشتن خود فکر کند و خود را بر همه ترجیح دهد (کیوستیو، ۱۳۸۷: ۱۲۲). خودخواهی بیش از هر چیز بیانگر میل انسان به برآوردن منافع شخصی خود به هر طریق ممکن است، حتی اگر این امر در تعارض با منافع دیگران باشد.

خودخواهی سرچشمه منازعات و اختلافات و کشمکش‌هایی است که زاینده یک سلسله خلق‌و‌خوهای رذیله و پست است. غالباً علت اصلی پایمال کردن حقوق مردم خودخواهی و تکبر است. افرادی که در فرهنگ‌های فردگرا هستند در مقایسه با افرادی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا هستند، کمتر متواضعند (کورمن و اسریرام، ۲۰۰۲) و بیشتر گرفتار خودبزرگ‌بینی هستند (کورمن، ۲۰۰۱). اساس خودخواهی در فردگرایی مبتنی بر لذت‌گرایی است (قادر، القونه، ۱۳۹۶).

قرآن کریم خودخواهی عده‌ای را این‌گونه به تصویر می‌کشد: وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ إِذَا كَالُوا أَنَّهُمْ وَزَنُوا أَنَّهُمْ يُخْسِرُونَ (المطففين، ۳-۱). کلمه تطفیف به معنای نقص در کیل و وزن است که خدای تعالی از آن نهی کرده و آن را افساد در زمین خوانده. مصدر اکتال که فعل اکتالوا از آن مشتق است، وقتی با حرف من متعدی می‌شود به معنای کیل گرفتن از مردم (و یا به عبارتی، خریدن کالا با کیل تمام است) و اگر با حرف علی متعدی شود به معنای ضرر (و یا دادن جنس به مردم به کیل ناقص) است. کلمه کیل که مصدر فعل کالوا است به معنای کیل دادن به مردم است. معنای آیه این است که: وقتی از مردم، کالایی می‌گیرند حق خود را تمام و کمال دریافت می‌کنند، ولی وقتی می‌خواهند کالایی به مردم بدهند به کیل یا وزن ناقص می‌دهند و مردم را به خسران و ضرر می‌اندازند. مضمون مجموع دو آیه یک مذمت است و آن این است که مطففین حق را برای خود رعایت می‌کنند، ولی برای دیگران رعایت نمی‌کنند. به عبارت دیگر حق را برای دیگران آن‌طور که برای خود رعایت می‌کنند، رعایت نمی‌نمایند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۳۷۹). این رفتاری اوج خودخواهی و خودمحوری است. چنین فردی نه تنها چیزی را که برای خود می‌خواهد در حق دیگران رعایت نمی‌کند، بلکه در نقطه مقابل آن چه برای خود می‌خواهد با دیگران برخورد می‌کند. به همین دلیل قرآن آن را مذمت نموده است.

خودخواهی به فرد اجازه نمی‌دهد که حق را بپذیرا باشد. چنین کسی همه چیز را تنها برای خود می‌خواهد که سبب کاهش

۴،۴ انزوای اجتماعی

واژه فردگرایی نخستین بار برای توصیف حس کنارگیری اجتماعی به کار برده شده است (خواجهنوری و همکاران، ۱۳۹۲). این مسأله به خوبی نشان می‌دهد که ارتباط عمیق و گسترده‌ای میان فردگرایی و انزواطلبی وجود دارد. درواقع فردگرایی عاملی برای ایجاد انزوای اجتماعی است.

فقدان ارتباطات اجتماعی مؤثر می‌تواند منجر به هیجانات منفی، اضطراب، افسردگی، تنهایی، احساس انزوا و خودپنداره ضعیف شود (تریچی، ۲۰۰۶). این گونه هیجانات روابط را مختل نموده و فرد را انزواطلب می‌نماید. انزواطلبی یعنی فرار از جمع. افراد انزواطلب علاقه‌ای به نشست و برخاست با دیگران ندارند، در جمع‌های عمومی ظاهر نمی‌شوند و حتی گاهی با افراد خانواده خود نیز مشکل دارند.

فردگرایی روابط اجتماعی را بسیار شکننده و ناپایدار می‌سازد و این شکنندگی و ناپایداری که در نتیجه دور شدن و فاصله گرفتن تدریجی کنشگران (اعضای) جامعه از یکدیگر پدید آمده از میزان همگرایی و اعتماد متقابل میان افراد به شدت می‌کاهد و روابط میان فردی را دچار آسیب می‌نماید.

۵ راهبردهای کاهش فردگرایی

ریشه واژه استراتژی، واژه یونانی (Strategia) است. معنای ساده استراتژی عبارت است از یک طرح عملیاتی به منظور هماهنگی و سازمان‌دهی اقدامات برای دستیابی به هدف (فرهنگ واژه‌های مصوب، نیل واژه راهبرد). راهبرد چگونگی دستیابی به اهداف را مشخص می‌کند. طرح درازمدتی است که برای نیل به یک هدف مشخص طراحی و تبیین می‌گردد (پنگاج، ۲۰۰۲). دایره‌المعارف بریتانیکا تعریف راهبرد (استراتژی) را از دید نظامی هنر برنامه‌ریزی و هدایت عملیات بیان نموده است (خادم‌الرضا، ۱۳۹۶: ۶۰). در این پژوهش نیز منظور از راهبرد دقیقاً مطابق با تعریف فوق می‌باشد: هنر برنامه‌ریزی، کنترل و هدایت صحیح مسائل برای دستیابی به هدف. هر عاملی که سبب شود فرد از لاک فردی خود بیرون آید و به دیگران گرایش و علاقه پیدا کند می‌تواند راهبردی مناسب برای کاهش علایق و جاذبه‌های فردگرایانه باشد.

۵،۱ اصلاح سبک زندگی

سبک زندگی مجموعه‌ای کموبیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که نه تنها نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌سازد. از نظر آدلر سبک زندگی یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارد (افشانی و همکاران، ۱۳۹۳). سازمان بهداشت جهانی، سبک زندگی را شیوه‌ای از زندگی تعریف می‌کند که مبتنی بر الگوهای مشخص و قابل تعریف رفتاری است که از تعامل بین ویژگی‌های شخصی فرد، روابط اجتماعی و موقعیت اجتماعی، اقتصادی و محیطی زندگی فرد، حاصل می‌شود (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸).

درونی انسان، هرچه باشد، خواه ناخواه خود را در لابلای اعمالش نشان می‌دهد؛ در طرز راه رفتن، در نگاه کردن، در سخن گفتن و در همه کار. بنابراین خودشیفتگی هم در اصل وجودش و هم در مظاهرش از منظر قرآن مردود و منهی است؛ چراکه باعث اخلاق و کرداری می‌شود که فرد را از اجتماع دور می‌نماید.

از نظر پژوهشگران دو روی سکه خودشیفتگی، یکی خودبزرگبینی و نمایش‌گری و دیگری آسیب‌پذیری و حساسیت است. فرد خودشیفته همان قدر که میل به نمایش‌گری و خودبزرگبینی دارد، آسیب‌پذیر و حساس است که همین مسأله باعث حساسیت او در روابط و همچنین ضربه‌پذیر شدن او می‌شود.

۴،۳ کاهش تعلق اجتماعی

تعلق خاطر به جامعه به عنوان حسی بالنده میان مردمی که از منافع و سرنوشت مشترک برخوردارند، بسیار حیاتی است و وجود آن در جامعه متضمن علاقه و وابستگی و وفاداری افراد به آن و احساس پیوستگی به مای کلی است (پولینی، ۲۰۰۰). این همان پاسخ عاطفی نسبت به مای بزرگتر است و تجلی عینی‌اش این است که فرد خود را جزئی از مای بزرگتر و جامعه را خانه خود می‌داند؛ به عبارتی این احساس تعلق اجتماعی است که ریشه تفاوت یک فرد از یک جامعه با افراد جوامع دیگر است (عاملی، ۲۰۰۲).

حس تعلق گروهی به کنش اجتماعی افراد جهت می‌دهد و مسیر دوام و توسعه را نیز هموار می‌کند هرگونه تضعیف آن موجب تضعیف بنیان‌های اجتماعی می‌شود. درواقع کلی‌ترین مایی که فرد به آن تعلق دارد، جامعه است، احساس تعلق نسبت به این ما شرط بقا و پویایی زندگی اجتماعی است.

از آنجاکه تمایلات و احساسات عامل ارتباط است، وابستگی احساسی موجب تقویت و تثبیت همبستگی میان افراد می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۱۱۶). به همین دلیل تعلق اجتماعی پیوند اعضای جامعه و پویایی اجتماعی را تضمین می‌کند (هومانس، ۱۹۷۲). حس تعلق، به کنش اجتماعی افراد جهت می‌دهد و مسیر دوام و توسعه اجتماع را هموار می‌کند و هرگونه تضعیف آن موجب تضعیف بنیان‌های اجتماعی می‌شود. از آنجاکه کلی‌ترین «مایی» که فرد به آن تعلق دارد، جامعه است، احساس تعلق نسبت به این «ما» شرط بقا و پویایی زندگی اجتماعی است (بیدل، محمودزاده، ۱۳۹۱). در مقابل فردگرایی تمایلی برای متفاوت بودن و متمایز بودن است (جرج پالانت، ۱۹۰۸: ۲۲). با افزایش فردگرایی در افراد تعلق اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد و همین موجب کاهش وابستگی جمعی می‌شود و ارتباط میان افراد را کمرنگ می‌نماید.

کاهش حس تعلق خاطر نسبت به جامعه می‌تواند پیامدهای بسیار مخربی در جامعه داشته باشد از جمله: کاهش امید به آینده، انزوای فردی، احساس جدایی و سردرگمی در جامعه، از خودبیگانگی، گرایش به ارزش‌های بیگانه، کاهش احساس امنیت، مخدوش شدن روابط بین حقوق و تکالیف نقش‌ها، کنش‌های اجتماعی، بی‌اعتمادی، و... که همه این‌ها می‌تواند باعث تخدیش و در نهایت تخریب روابط میان فردی گردد.

در رابطه‌ها و پیوستگی‌هاست. به گونه‌ای که نه شخصیت و ارکان فرد را نادیده می‌گیرد و نه شخصیت او را در جامعه محو می‌گرداند. نه او را رها می‌سازد تا به فردی خودخواه و حریص تبدیل شود که به فکر کسی و چیزی جز خود نباشد و نه آن‌قدر توجه او را به اجتماع جلب می‌کند که شخصیت و فردیت خود را از یاد ببرد و از تکالیف و واجبات، آن اندازه برای فرد مقرر می‌دارد که او را خدمت‌گزار جامعه نماید و جامعه را هم ضامن و مسؤول فرد کند و در نتیجه فرد و جامعه را هماهنگ و همگام می‌گرداند (شاذلی، ۱۴۱۲، ۷: ۲۴۱).

در سبک زندگی مدرن رفاه‌طلبی، سودجویی، طمع و آسایش خودخواهانه، به شکلی کاملاً عقلانی و موجه تبلیغ می‌شوند. در این سبک زندگی رقابت و استقلال از ارزش زیادی برخوردار است و افراد منافع خود را در اولویت قرار می‌دهند. علاوه بر آن سبک زندگی نوین با فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی و پیشرفت اعجاب‌آور ابزار بازی و سرگرمی اوقات فراغت جوانان را به سمت فردگرایی، دوری از جمع و منزوی شدن سوق داده است و اوقات فراغت افراد به صورت کاملاً فردی و شخصی پر می‌شود، هرچه افراد از فناوری‌های بیشتری استفاده کنند از حوزه مستقل‌تر و خلوت شخصی بیشتری در زندگی خود برخوردار می‌شوند و بر میزان فردگرایی آن‌ها نیز افزوده خواهد شد. در این شرایط رعایت اعتدال و اعتدال‌گزینی از اهمیت بیشتری برخوردار است و به فرد کمک می‌کند که تمایل بیشتری به جمع و اجتماع داشته باشد و از مزایای ارتباطات اجتماعی بیشتر برخوردار گردد.

۵،۳ افزایش رضایت از زندگی

عالم خلقت براساس تدبیر فوق‌العاده خداوند ایجاد شده و براساس حکمت بی‌نهایت او اداره می‌گردد. انسان و امور مربوط به او نیز جزئی از این تدبیر عالی و حکمت متعالی است. طبق تعالیم قرآنی هیچ حادثه‌ای در زندگی انسان اتفاقی نیست و همه حوادث طبق حکمت والای الهی و در جهت پرورش استعدادها و نبوغ آدمی ترتیب یافته‌اند. چنین دیدگاهی نسبت به زندگی و حوادث آن باعث ایجاد خشنودی و رضایت در زندگی انسان می‌شود.

پژوهش‌ها نشان داده است که هرچه میزان رضایت کمتر باشد، فردگرایی بیشتر است (قادری، القونه، ۱۳۹۶). رضا و خشنودی به مقدرات خداوند سبب آرامش روح و دل و جان فرد می‌گردد و زندگی او را سرشار از نشاط و شادی می‌سازد. کسی که همه حوادث زندگی خود را تدبیر خاص پروردگار و ترتیب یافته براساس حکمت والای او می‌بیند و ایمان دارد که خداوند جز خیر و صلاح و مصلحت او را نمی‌خواهد، با کمال رضایت و خشنودی، آن‌ها را پذیرفته و خود را به اختیار خویش در مسیر اراده و خواست الهی قرار می‌دهد.

در قرآن کریم وصف و سرانجام رضایت‌مندان را این‌گونه بیان می‌کند: اَرْجِعِ إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (الفجر، ۲۸). در این آیه نفوس مطمئنه را به وصف "راضیه" و "مَرْضِيَّة" توصیف کرده؛ چراکه اطمینان و سکونت یافتن دل به پروردگار مستلزم آن است که از او راضی هم باشد و هر قضا و قدری

سبک زندگی علاوه بر اینکه دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۹).

همچنین سبک زندگی هر فرد و جامعه به لحاظ نظری، برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزشی حاکم بر روح و روان آن‌هاست. سبک زندگی قرآنی، شامل مجموعه به هم پیوسته‌ای از الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلف حیات بشری است. قرآن کریم با تعالیم جاودانه خود، سبکی آرمانی و در عین حال، واقع‌گرایانه پیشنهاد نموده است که مبتنی بر نگرشی متعال به هستی و انسان است. قرآن کریم هر فرد را موجودی مسؤول و مختار می‌داند که با انتخاب سبک و شیوه زندگی خود، سرنوشت و آینده‌اش را به دست خودش رقم می‌زند و با اصلاح سبک زندگی و انتخاب آگاهانه میزان ارتباطات اجتماعی می‌تواند از هرگونه افراط و تفریط پرهیز نموده و به رویه‌ای میانه و شیوه‌ای تعادلی دست یابد. نه آن‌چنان در جمع و مقاصد جمعی محو شود که هویت و شخصیت خود را نادیده انگارد و نه آن‌چنان از اجتماع بی‌ده و منزوی گردد که منافع و اثرات نیکوی اجتماع را از دست دهد.

۵،۲ تعادل

تعادل در اسلام از بهترین و دوست‌داشتنی‌ترین امور محسوب می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: بهترین امور معتدل‌ترین آن‌هاست (نوری، ۱۴۰۸، ۸: ۲۵۵) و فرمود: باید دوست‌داشتنی‌ترین امور نزد تو، معتدل‌ترین آن‌ها در کارهای حق باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۳: ۶۰۱). این شیوه معتدل زیستن به حدی مورد توجه است که یکی از افتخارات معصومان (ع) این بوده که متصف به این رویه و مسلک باشند. در این باره امام باقر (ع) می‌فرماید: ما اَمْت وسط و میانه هستیم (بحرانی، ۱۴۱۶، ۱: ۳۴۳). سیره رسول خدا (ص) نیز در همه وجوه، سیره‌ای معتدل بوده است (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴: ۱۳۹).

از آموزه‌های وحیانی برمی‌آید که هرگونه خروج از حدود اعتدال و میانه‌روی و گرایش به دو سوی افراط و تفریط به معنای خروج از صراط مستقیم و جاده حقیقت و حقانیت و رهسپاری در بیراهه هیوط و سقوط فردی و اجتماعی و دست‌یابی به کمال و تقرب است.

رعایت اعتدال سبب استقامت در امور است و اعتدال در روابط اجتماعی سبب استحکام روابط اجتماعی می‌گردد. اعتدال در روابط اجتماعی یعنی انسان نه آن‌چنان مخلوط جمع و اجتماع شود که به حالات فردی و الاهی‌اش لطمه وارد شود و نه آن‌چنان تنها و گوشه‌نشین شود که از ثمرات و خوبی‌های اجتماع محروم بماند؛ بلکه حد وسط ما بین این دو را برگزیند، اوقاتی را به زندگی فردی اختصاص دهد و اوقاتی را برای حضور در اجتماع و برقراری ارتباطات سودمند اجتماعی.

خداوند در بیان جامعه برتر و کامل و ارائه نمونه عینی آن، جامعه برتر را جامعه‌ای معتدل و میانه‌رو معرفی می‌کند که استقامت در ذات و نهاد آن سرشته شده است. از نظر مفسران امت وسط در قرآن کریم (البقره، ۱۴۳) ملت میانه‌روی

اكتساب مهارت‌ها می‌توان سازگاری اجتماعی و در نتیجه گسترش ارتباطات و میل به جمع را توسعه بخشید.

همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگری در برقراری رابطه، تقاضای کمک کردن، تعریف و تمجید از دیگران و تشکر و قدردانی کردن، مثال‌هایی از مهارت‌های اجتماعی به شمار می‌آیند (الیوت و گرشام، ۱۹۹۳). برای هر یک از مهارت‌های اجتماعی مثال‌های فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که تقویت آن‌ها می‌تواند فرد را به درجه مهارت در روابط برساند. به‌عنوان نمونه در باب همکاری با دیگران می‌فرماید: تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ (المائدة، ۲). این جمله بیانگر یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و سیاسی را دربرمی‌گیرد. طبق این اصل افراد موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند (طبری، ۱۴۱۲، ۶: ۴۳). ظاهر آیه، ما را بدین تصور وامی‌دارد که جمله: وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ را بر هر حرکتی که با نیکی و پیشرفت تضاد دارد، تطبیق کنیم (مغنیه، ۱۴۲۴، ۳: ۲۳). همکاری و مشارکت در کارهای جمعی مهارتی است که بسیاری از مهارت‌های دیگر را در دل خود دارد. در این آیه همکاری و همیاری در هر آن چه عامل پیشرفت، صلاح و خیر است توصیه شده که ارتباط مؤثر و سازنده با دیگران از جمله آن است؛ چراکه به رشد و توسعه فردی و اجتماعی می‌انجامد و از آن چه مانع خیر و نیکی و پیشرفت فرد و جامعه است نهی شده است که فردگرایی و انزوای اجتماعی از جمله آن موارد است.

۶ نتیجه‌گیری

فطرت و سرشت انسان نیازمند و خواهان جمع‌گرایی است. قرآن کریم نیز در شرایط عادی به جمع‌گرایی، برقراری ارتباط با دیگران و بهره‌گیری از منافع اجتماع توصیه نموده است و فردگرایی حتی برای کسب فضایل و ارتقای معنوی از نظر قرآن امری مردود و منهی است. اما چنان نیست که این مسأله امری حتمی، ثابت و همیشگی باشد. مسأله فردگرایی و کنارگیری از جمع در یک سلسله شرایط خاص اجتماعی و به صورت استثناء نیز در قرآن کریم لحاظ شده است. زمانی که فتنه مردم را فرا گرفته، روزگار فاسد شده و برای در امان ماندن از فتنه روزگار راهی جز دوری از اجتماع وجود نداشته باشد، در چنین شرایطی فردگرایی و دوری از اجتماع به فرموده امام صادق (ع) ریشه تمام خوبی‌هاست (دبلمی، ۱۴۱۲، ۱: ۲۴۰). در غیر این مورد، دستور قرآن حضور در اجتماع و تلاش برای ساختن اجتماعی سالم و صالح است که در سایه آن تکامل و سعادت فرد و جامعه تأمین می‌گردد.

یکی از دلایل نهی از خزیدن در لاک فردی و روی آوردن به فردگرایی از منظر قرآن کریم آثار و کارکردهایی است که رواج این حالت در پی خواهد داشت. از جمله کارکردهای فردگرایی در روابط اجتماعی افزایش خودخواهی و خودشیفتگی، کاهش تعلق اجتماعی و در نهایت انزوای اجتماعی است که همه این حالات از منظر دینی مردود و منهی می‌باشد.

که او برایش پیش می‌آورد، کمترین چون و چرایی نکند، حال چه آن قضا و قدر تکوینی باشد، و چه حکمی باشد که او تشریع کرده باشد، پس هیچ سانحه به خشم آورنده‌ای او را به خشم نمی‌آورد و هیچ معصیتی دل او را منحرف نمی‌کند و وقتی بنده خدا از خدا راضی باشد، قهراً خدای تعالی هم از او راضی خواهد بود. در آیه بعد می‌فرماید: فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي. چون راضی و مرضی به سوی پروردگارت بر می‌گردد پس در زمره بندگانم درآی و در بهشتم داخل شو.

وقتی کسی مطمئن به پروردگار خود شد و از ادعای استقلال منقطع گردید و بدانچه از ناحیه پروردگارش می‌رسد، به دلیل اینکه حق است راضی شد، قهراً ذات و صفات و افعال خود را ملک مطلق پروردگارش می‌داند، پس در آن چه او مقدر می‌کند و قضایی که او می‌راند و امر و نهی‌ای که او می‌کند هیچ خواستی از خود نشان نمی‌دهد، مگر آن چه را پروردگارش خواسته باشد و این همان ظهور عبودیت تامه در بنده است (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۲۰: ۴۷۸).

رضا به قضای الهی در حقیقت رضا به حکمت و عدالت حضرت حق است. حکمتی که در نهایت کمال است و عدالتی که هیچ‌گاه ظلمی در آن راه ندارد. چنین باوری به فرد آرامشی می‌بخشد که در ارتباطات او نیز تأثیر گذاشته و او را به سوی گسترش ارتباط و گرایش به جمع سوق می‌دهد. در طرف مقابل نارضایتی سبب فرورفتن در لاک دفاعی خود می‌شود و فرد را متعلق به اخلاقی می‌کند که او را از رابطه با دیگران باز می‌دارد.

۵، ۴ تقویت مهارت‌های اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی مجموعه رفتارهای فراگرفته و قابل قبولی هستند که فرد را قادر می‌سازند با دیگران رابطه مؤثر داشته باشد و از برخوردهای نامعقول اجتماعی خودداری کند. افراد باید از مهارت‌های اجتماعی لازم برخوردار باشند تا بتوانند به شکلی سازگاران با دیگران ارتباط برقرار کنند. توانمندی در مهارت‌های اجتماعی، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد سازگاری اجتماعی به‌شمار می‌رود و نارسایی در مهارت‌های اجتماعی غالباً به بروز مشکلات سازگاری منجر می‌شود. کمبود مهارت‌های اجتماعی می‌تواند سازگاری فرد را به‌شدت مختل کند و وی را به سمت فردگرایی و انزوای اجتماعی سوق دهد.

پژوهش‌ها نیز نشان داده بین مهارت‌های اجتماعی و ناسازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد (حوله کیان، لواسانی، خلیلی، ۱۳۹۱). این رابطه به حدی است که برخی سازگاری اجتماعی را مترادف با مهارت اجتماعی می‌دانند (اسلی و گورا، ۱۹۸۸) و سازگاری و مهارت اجتماعی را فرآیندی می‌دانند که افراد را قادر می‌سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش‌بینی کنند و رفتار خود را کنترل و تعاملات خود را تنظیم کنند (اسلوموسکی و دان، ۱۹۹۶).

بر همین اساس اکتساب مهارت‌های اجتماعی محور اصلی رشد اجتماعی، شکل‌گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل‌های اجتماعی، سازگاری اجتماعی و حتی سلامت روان به شمار می‌آید (تئودورو و همکاران، ۲۰۰۵). این بدین معناست که با

غلط و حرکت اشتباه فاصله گرفته و راهی متفاوت از سایرین در مسیر دستیابی به کمال انسانی و اهداف شخصی و اجتماعی خود انتخاب و طی خواهد نمود.

نتایج پژوهش حاضر تکمیل‌کننده پژوهش‌های پیشین و در برخی موارد مانند تأثیر دین‌داری بر میزان فردگرایی تأییدی بر پژوهش‌های پیشین است؛ چراکه راهبردهای قرآن افراد پایبند به دستورات الهی را از لاک فردی و خودخواهانه درآورده به سوی جمع و پذیرش مسئولیت جمعی سوق می‌دهد.

برای پیشگیری و جلوگیری از این پی‌آمدها قرآن کریم راهبردهایی را برای کاهش فردگرایی ارائه نموده است که از جمله آن‌ها می‌توان به اصلاح سبک زندگی، ایجاد تعادل در بعد ارتباطی، افزایش رضایت از زندگی و تقویت مهارت‌های اجتماعی اشاره نمود. به‌کارگیری این راهبردها در زندگی به ایجاد سطح متعادل و مطلوب ارتباطات و نهایت بهره‌وری از ابعاد مختلف وجود فرد خواهد انجامید. در این حالت فرد نه تنها از مزایای فوق‌العاده اجتماع و توانمندی‌های جمعی بهره‌مند می‌گردد، بلکه هر جا حرکت و مسیر اجتماع را به سمت و سویی خلاف مقام والای انسانی خود یافت، به‌راحتی از مسیر

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱
- احمدی، ح، ۱۳۸۷، روان‌شناسی اجتماعی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- اعظم‌زاده، منصوره؛ توکلی، عاطفه، (۱۳۸۶)، فردگرایی، جمع‌گرایی و دین‌داری، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳(۹): ۱۰۱-۱۲۵.
- افشانی، سیدعلیرضا و همکاران، ۱۳۹۳ بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد «مطالعات اسلام و روان‌شناسی سال هشتم، ش ۱۴: ۸۳-۱۰۳».
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- بهروان، حسین و عزیزاده، اعظم (۱۳۸۶)، بررسی فردگرایی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد؛ دوره ۴، شماره ۲: ۴۴-۲۵.
- بیدل، محمودزاده، (۱۳۹۱)، بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی؛ مطالعه موردی شهر مشهد، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۵(۱۸): ۱۱۲-۹۵.
- جعفری، مازیار؛ لایلا پرنیان؛ لایلا پرنیان؛ بیژن خواجه‌نوری، (۱۳۹۲)، مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز، ۲۴(۴): ۶۶-۴۳.
- جهانیان، ناصر، ۱۳۷۸، فردگرایی و نظام سرمایه‌داری، کتاب نقد تابستان، ش ۱۱: ۶۳-۳۸.
- حسین زاده، علی حسین؛ محمودی، زینب؛ ممبینی، ایمان، (۱۳۹۲)، بررسی برخی عوامل مؤثر بر کنش‌های فردگرایانه، جامعه‌شناسی معاصر، ۲(۳): ۵۲-۳۵.
- حوله کیان، فرناز؛ لواسانی، مسعود؛ خلیلی، شیوا؛ (۱۳۹۱). اثربخشی درمانی گروهی با رویکرد شناختی رفتاری در اصلاح ناسازگاری اجتماعی نوجوانان دختر کم توان ذهنی، کودکان استثنایی، شماره ۲، پیاپی ۴۸: ۸۸-۱۱۰.
- خادم الرضا، علی. (۱۳۹۶). تعریف استراتژی، جعبه ابزار کارآفرینی. تهران: دیباگران.
- خواجه نوری، بیژن، و کاوه، مهدی. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه بین مصرف رسانه ای و احساس امنیت اجتماعی.
- پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، ۲(۲) (پیاپی ۶)، ۵۷-۷۸.
- دورکیم، امیل، ۱۳۷۸، خودکشی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- دیلمی، حسن بن محمد، (۱۳۹۶)، ارشاد القلوب، تهران، اسلامیه.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۷). آناتومی جامعه یا سنة الله: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: انتشارات کاوه.
- سیواداس و همکاران، (۲۰۰۸)، پرسش‌نامه فردگرایی و جمع‌گرایی افقی و عمودی سیواداس و همکاران. تحت وب.
- شاذلی، سید بن قطب. (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- عابدی، منیره؛ نوروزی، رضاعلی؛ بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ (۱۳۹۰) تربیت اجتماعی از دیدگاه فردگرایان و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبائی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۹: ۶۳-۳۹.
- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲)؛ سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی؛ قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- قادر، طاهره؛ القونه، زهرا، ۱۳۹۶، بررسی فردگرایی خودخواهانه و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه شیراز (با تأکید بر طبقه آن‌ها، علوم اجتماعی، ۲۴(۷۹): ۳۱-۱.
- قدوسی، میردریگوندی، ۱۳۹۲، بررسی مفهوم روان‌شناختی کبر در منابع اسلامی و مقایسه آن با خودشیفتگی، معرفت، ۱۹۲: ۴۵.
- کیویستو، پیتر. ۱۳۸۰، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نراقی، احمدین محمدمهدی، ۱۳۷۸، معراج السعاده. قم: هجرت.

نوری، حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم، آل البيت.

Triandis, C. H., Leung, K., Villareal, M., & Clack, F. L. (1985). Allocentric versus Idiocentric tendencies: Convergent and discriminant validation. *Journal of Research in Personality*, 19, 395-415.

Triandis, C. H., Bontempo, R., Villareal, M.J., Asai, M., & Lucca, N. (1988). Individualism and collectivism: Cross-cultural perspectives on self-in-group relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 323-338.

Knigh, G. P., & Bernal, M. E. (1993). *Ethnic identity: Formation and transmission among Hispanics and other minorities*. New York Press.

Hofstede, G. (1991). *Cultures and organizations: Software of the mind*. London: McGraw-Hill

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

محسنی تبریزی، علیرضا؛ صداقتی فرد، مجتبی، (۱۳۹۰)، پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)، ۳(۴۳): ۱-۲۲.

مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰). التحقیق فی کلمات القرآن. بیروت، دارالکتب العلمیه.